



## اسناد دعای ندبه

بسیار دیده شده یک نفر بدون تحقیق کافی سخنی می گوید جمعی دیگر هم بدون تحقیق دنبال سخن او را می گیرند و کم کم بصورت « مسأله » ای درمی آید ، و جمعی را بخود مشغول می سازد و یا در کار خود مردود و سرگردان می نماید ؛ مناسبانه دعای جالب و لطیف ندبه اخیراً بهمین سرنوشت مبتلا شده است .

در شماره پیش گفتیم دعای ندبه دعائی است که از نظر محتوا کاملاً مستدل و عالی و فصیح و گیرا و عاطفی و حماسی است و در صورت آگاهی کامل خواننده می تواند الهام بخش برای اصلاح وضع اجتماعی و مبارزه با ظلم و فساد گردد و جهشی باشد به سوی اهداف بزرگ انسانی .

اما نمی دانیم چرا این دعا اخیراً مورد حملات ناآگاهانه بعضی قرار گرفته ، گاهی به عبارات آن حمله می کنند و گاهی به سند آن ، در حالی که نه مضمون آن کمترین ایرادی دارد و نه سند آن « در حدود یک دعا » می تواند مورد خدشه قرار گیرد

در شماره گذشته روشن ساختیم که تهمت مشابهت عبارات دعا با عقاید فرقه کیسانیه تا چه حد بی پایه است ، اکنون لازم است يك جمله دیگر اضافه کنیم و سپس به شرح اسناد دعا بپردازیم :

بعضی ایراد می کنند که جمله « و عرجت بروحه الی سماءك » (روح او را به معراج به آسمانها بردی) با عقیده شیعه سازگار نیست زیرا معراج تنها جنبه روحانی نداشته است .

در حالیکه اگر به منابع اصلی دعا باز گردیم ایراد بر طرف می گردد زیرا این دعا را پیش از همه در کتاب «مزار کبیر» تالیف محمد بن جعفر المشهدی که از علمای قرن ششم است می بینیم و در کتاب او جمله مزبور باین صورت آمده است « و عرجت به الی سماءك » یعنی او را به معراج به آسمانها بردی و اثری از کلمه روح در آن نیست (دقت کنید)

دومین متن قدیمی که این دعا در آن دیده شده کتاب «مزار قدیم» است که مؤلف آن در قرن ششم می زیسته ، و در این کتاب عبارت نیز بهمان صورت است « و عرجت به الی سماءك » .

تنها در کتاب سوم یعنی کتاب «مصباح الزائر» تالیف سید بن طاووس کلمه «بروحه» دیده می شود ، و تازه مرحوم صاحب مستدرک حاجی نوری در کتاب «نحیة الزائر» می گوید من خودم در بعضی از نسخه های کتاب مصباح الزائر «عرجت به» دیدم نتیجه اینکه در دو متن از سه کتابی که سند دعای ندبه از آنها نقل شده ، کلمه بروحه ندارد و «به» دارد ، و در متن سوم نیز دو نسخه مختلف وجود دارد ، منتها چون در نسخه «مصباح الزائر» که نزد مرحوم علامه مجلسی وجود داشته کلمه «بروحه» بوده و کتب دعای امروز غالباً از آن گرفته شده است این بحث را برانگیخته است در حالیکه در متون متعدد قدیمتر از آن اثری از کلمه «بروحه» نیست .

بهر حال متن اصلی و صحیحتر دعا کلمه «بروحه» ندارد .

\* \* \*

## اما سند این دعا

این دعا همانطور که در بالا اشاره شد - درسه کتاب معروف و معتبر قدیمی آمده است :

۱- کتاب مزار کبیر تألیف محدث و دانشمند معروف قرن ششم محمد بن جعفر - المشهدی.

۲- کتاب مزار قدیم که مولف آن از دانشمندان معاصر مرحوم طبری نویسنده کتاب احتجاج است (قرن ششم)

۳- کتاب مصباح الزائر تألیف سید رضی الدین ابن طاووس که از زهاد و بزرگان محدثان قرن هفتم است .

مرحوم علامه مجلسی نیز در جلد ۲۲ بحار الانوار صفحه ۲۶۲ آنرا از کتب بالا نقل کرده است .

و در هر سه کتاب دعا از «محمد بن علی بن یعقوب بن اسحاق بن ابی قره» و او از «محمد بن حسین بن سفیان بزوفری» (۱) که در زمان غیبت صغری می زیسته است و وقاعدتاً وسیله مکاتبه از طریق نواب با امام (ع) تماس گرفته است و او از حضرت مهدی صاحب الامر (ع) نقل میکند که دستور دادند این دعا را بخوانند .

نفاول یعنی محمد بن علی بن یعقوب طبق کتب تراجم و رجال از علما و روای شیعه و از افراد ثقه و مورد اطمینان است و دارای تالیفات متعددی می باشد .

و نفردوم « محمد بن حسین بن سفیان بزوفری » از اساتید شیخ بزگوار شیخ مفید است که مستغنی از معرفی می باشد .

شیخ مفید بهنگامیکه نام این استاد خود را می برد از او به نیکی و تجلیل یاد می کند .

جالب توجه اینکه دانشمند بزرگوار نویسنده کتاب «الذریعه» در جلد هشتم صفحه ۱۸۴ مینویسد که این شخص (محمد بن حسین بزوفری) کتاب دعائی تألیف

(۱) بزوفری برون عضنفریکی از آبادیهای عراق نزدیک شهر واسط است که در طرف غرب

دجاه واقع شده .

کرده که دعای ندبه در آن هست .

بنابر این ملاحظه می کنید که سند دعا به افرادی برمیگردد که همه ثقه و یا شناخته شده اند و هیچ شخصی مجهول و ناشناسی در سند دعایست .

علاوه بر این بفرض اینکه سند این دعا مجهول باشد باز طبق قاعده معروفی که در اصول داریم بنام « قاعده تسامح در ادله سنن » (یعنی در عین اینکه در سند روایات مربوط به احکام واجب و حرام باید سختگیری و موشکافی زیاد کرد در ادله مستحبات لازم نیست سختگیری نمود ، چه اینکه مستحبات اعمالی هستند که انجام آنها واجب نیست و ترك آنها حرام نمی باشد)

در سند این دعا نمی توان سختگیری کرد . مطابق این قاعده معروف که متکی به احادیث زیاد و معتبری هست فقهای اسلام هیچگاه درباره سند مستحبات و دعاها ایراد نمی گرفتند همین اندازه که در کتابی مشهور نقل شده بود و مضمون خوبی داشت قناعت می کردند . بهمین دلیل مدرک بسیاری از دعاهای مشهور که امروز در دست ماست گاهی يك حدیث مرسل بیش نیست .

و در هر صورت طبق مدارك فوق سند دعای ندبه چیزی نیست که قابل ایراد باشد ، و سرچشمه ایراد عدم آگاهی بر مطالب فوق بوده است .

جالب اینکه آقائی در کتاب خود نوشته است هر کس سندی برای دعای ندبه پیدا کند ده هزار تومان به او خواهد داد . باید بایشان با نهایت ادب گفت لا اقل یکدهم از مبلغ مزبور را پس از مطالعه این سطور به فقیران و مستمندان بدهد و تصمیم بگیرد در آینده گرد این سخنان غرور آمیز نگردد .

(درباره اسناد دعای ندبه بحثهای دیگری نیز هست که بخواست خدا در فرصت دیگری از آن سخن خواهیم گفت.)

